

# ۳

## بررسی مقایسه‌ای قدرت نرم در سیاست خارجی ایران و ترکیه در منطقه غرب آسیا با تاکید بر فلسطین

دانیال رضاپور<sup>۱</sup>

محمدحسین نیکزاد<sup>۲</sup>

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

<sup>۱</sup>. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) danyalrezapoor@gmail.com

<sup>۲</sup>. استادیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان nikzad@guilan.ac.ir

## چکیده

منطقه غرب آسیا یکی از مهم‌ترین مناطق بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر با تحولات عمیق و گسترده‌ای روبه‌رو شده است. با توجه به اهمیت روزافزون فرهنگ در روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری این مؤلفه بر کشورها، به ویژه اثربخشی عناصر فرهنگی ایران و ترکیه، نگارندگان در چارچوب نظریه قدرت نرم جوزف نای و با رویکرد مقایسه‌ای به طرح این پرسش اساسی پرداخته‌اند که: تأثیر قدرت نرم ایران و ترکیه در سیاست خارجی آن‌ها نسبت به مسئله فلسطین چیست و دارای چه محدودیت‌هایی می‌باشد؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که قدرت نرم ایران عمدتاً در لایه مقاومت فلسطین (مانند حمایت از گروه‌های مقاومت از طریق دیپلماسی عمومی و رسانه‌های فرهنگی) بروز یافته، در حالی که قدرت نرم ترکیه بیشتر در لایه دیپلماسی و اقتصاد (مانند کمک‌های آژانس همکاری و کمک<sup>۱</sup> و مبادلات تجاری) متمرکز است، اما هر دو با محدودیت‌هایی مانند تناقضات ارزشی-عملی و چالش‌های جذب عمومی مواجه‌اند. مقایسه نشان می‌دهد ایران در جذب لایه‌های مقاومتی موفق‌تر است (با تأثیر ۷۰٪ بر اساس نظرسنجی‌های منطقه‌ای)، در حالی که ترکیه در دیپلماسی اقتصادی پیش‌تاز است اما با چالش‌هایی روبرو است. این پژوهش براساس رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش‌های پژوهش کیفی انجام پذیرفته و اطلاعات از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی جمع‌آوری شده است.

### • واژگان کلیدی

قدرت نرم، فلسطین، جهان اسلام، بررسی مقایسه‌ای، سیاست خارجی.

---

<sup>۱</sup>. TIKA

## مقدمه

غرب آسیا یکی از مناطق مهم و راهبردی جهان است که تحولات سیاسی در آن به سرعت و به طور قابل توجهی رخ می دهد. در این منطقه، قدرت های مهمی مانند ایران و ترکیه به طور مستمر در پی ایجاد تغییراتی در راستای منافع ملی خود هستند. این دو کشور به عنوان بازیگران اصلی در منطقه، دارای تاریخ و فرهنگ غنی و نفوذ قابل توجهی در میان جوامع مسلمان هستند. از این رو، بررسی نقش و تأثیر قدرت نرم این دو کشور در تحولات منطقه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مسئله سبب می شود که تحولات این منطقه همواره در کانون توجه اندیشمندان حوزه سیاست و قدرت قرار گیرد و نیازمند بررسی و ارزیابی دقیق باشد. علاوه بر این، ایران و ترکیه به منظور مواجهه با تهدیدات ادراک شده، ناگزیر به استفاده از ابزارهای قدرت سخت مانند عملیات نظامی و تحریم ها شده اند. به طوری که با وجود نفوذ عناصر تروریستی و افزایش تعداد پناهندگان به خاک ترکیه از طریق مرزهای سوریه و عراق، این کشور از سال ۲۰۱۶ چهار عملیات نظامی فرامرزی در سوریه انجام داده است. ترکیه همچنین با حمایت از قطر در زمانی که عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر در ژوئن ۲۰۱۷ تحریم های دیپلماتیک و اقتصادی علیه این کشور اعمال کردند، همکاری نزدیکی داشته و تعداد پرسنل نظامی خود را در پایگاه دوحه افزایش داده و یک توافق همکاری آموزشی نظامی با قطر منعقد کرده است (Çevik, 2022 : 2-5).

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند ترکیه از نظر نظامی فعال است، اما با اهدافی کاملاً متفاوت. ایران به درخواست سوریه نیروهای مستشاری خود را به این کشور اعزام و در مبارزه با دولت اسلامی عراق و شام<sup>۱</sup> (داعش) به دولت عراق و سوریه کمک های فراوانی کرده است. روابط ویژه ایران با بازیگرانی در غرب آسیا مانند حزب الله، حشد الشعبی و انصارالله به عنوان دولت مستقر در یمن نیز نفوذ تهران را در منطقه افزایش داده است. علاوه بر این، ایران از سال ۲۰۱۶ استراتژی تدافعی در خلیج فارس اتخاذ کرده که روابط آن با همسایگان عرب، ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی و آسیایی را تحت تأثیر قرار داده است. این استراتژی جدید شامل استقرار و استفاده از موشک ها، توسعه سیستم های جدید دفاع هوایی مانند پهپادها و انجام مانورهای نظامی مبتنی بر راهبرد پدافندی است (Dolatabadi & Kamrava, 2022 :

<sup>۱</sup>. ISIS

13-16). طی دهه‌های اخیر تحولات محسوسی در توزیع قدرت و ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا ایجاد شده است که تضعیف عراق و مصر، تقویت ایران و ترکیه از نمودهای این تحولات است. نکته دیگر این‌که اخیراً موج نوینی از گرایش به قدرت نرم در میان قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا مشاهده می‌شود. بر این اساس در مبانی قدرت دولت‌های منطقه تحولات جدیدی رخ داده است و این رقابت‌ها بعضاً جلوه‌های ناملایمی به خود گرفته‌اند که رقابت ایران و ترکیه بعد از تحولات بیداری اسلامی نمونه تازه‌ای از آنهاست (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۳). در این راستا پژوهش پیش‌رو به دنبال شناسایی و تبیین منابع و همچنین محدودیت‌های قدرت نرم ترکیه و ایران به عنوان کشورهای تاثیرگذار منطقه غرب آسیا می‌باشد و در واقع هدف این پژوهش پاسخگویی به این پرسش است که منابع و ابزارهای مؤثر قدرت نرم ترکیه و ایران در سطح منطقه و جهان اسلام چیست و دارای چه محدودیتی می‌باشد؟ در پاسخ این فرضیات مطرح می‌شود که ۱- در کشور ترکیه بین ارزش‌های بیان شده و شیوه‌های عملی واقعی، یک تناقض فزاینده وجود دارد که می‌تواند قدرت نرم آن را تضعیف یا محدود کند. ۲- با آگاهی از این واقعیت که مسئله فلسطین نگرانی اصلی اکثر مردم غرب آسیا است، ترکیه و ایران سیاست خارجی فعالی را برای کاهش مشکلات فلسطینی‌ها دنبال می‌کنند ولی بعضی از سیاستگذاری‌های ترکیه بعد از عملیات طوفان الاقصی تا حدودی قدرت نرم آن را تضعیف کرده است. و سرانجام، ۳- هر دو کشور از ابزار فرهنگی مانند آموزش و فرهنگ عمومی برای جذب عموم مردم در غرب آسیا برای تقویت قدرت نرم بهره‌مند شده‌اند. این پژوهش براساس رویکرد توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش روند پژوهی و نمونه پژوهی به عنوان روش‌های پژوهش کیفی انجام گردیده است. در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی استفاده شده است. با توجه به اهمیت روزافزون قدرت نرم در سیاست بین‌الملل، این پژوهش می‌تواند به فهم بهتری از تحولات منطقه غرب آسیا کمک کند.

### پیشینه تحقیق

سویک در گزارش راهبردی با عنوان «تلاش‌های صلح طلبانه ترکیه در بلندپروازی‌ها و محدودیت‌های غرب آسیا در یک نظم منطقه‌ای در حال تغییر» معتقد است که از سال ۲۰۲۱، ترکیه به ابتکاری برای آشتی در غرب آسیا پرداخته است که شامل سوریه، مصر، رژیم

صهیونیستی<sup>۱</sup>، و امارات متحده عربی می‌شود که هر مورد دارای محرک‌ها، نقاط قوت و موانع خاص خود است که منجر به نتایج متنوعی در پایان ابتکارات می‌شود: در مورد سوریه قبل از سقوط بشار اسد، آشتی در سطح کاهش خصومت‌ها (تنش‌زدایی) باقی مانده بود، در حالی که با مصر به سطح عادی‌سازی کامل روابط دیپلماتیک رسیده است. آشتی با امارات متحده عربی نیز پیشرفت بیشتری داشته و حتی پتانسیل یک هم‌راستایی واقعی بین دو کشور را دارد. وضعیت تلاش‌های آشتی با رژیم صهیونیستی به ویژه به دلیل جنگ در غزه همچنان نامشخص و تحت نوسانات مداوم است. در مورد خود ترکیه الگوی آونگی سیاست‌های اردوغان، استفاده او از سیاست خارجی برای منافع سیاسی داخلی و سطح پایین اعتماد بین او و همتایانش باعث می‌شود که فرآیندهای آشتی شکننده باشند (Çevik, 2024).

واست نیدج در مقاله‌ای با عنوان «تقویت مقاومت: ایران و شام در غرب آسیای چند قطبی» معتقد است که عملیات «طوفان الاقصی» حماس، پاسخ خشن رژیم صهیونیستی و تشدید تنش‌ها در منطقه از جمله حملات بی‌سابقه ایران و رژیم به خاک یکدیگر، نقطه عطفی برای غرب آسیا محسوب می‌شود. این رویدادها توجه دوباره به شام به عنوان یک منطقه کلیدی در منافع جغرافیایی-سیاسی ایران و رقابت آن با رژیم صهیونیستی را جلب کرده است. سوریه و زیرمنطقه وسیع‌تر برای تهران به عنوان مناطقی حیاتی برای امنیت ملی و شبکه ائتلافی‌اش یعنی محور مقاومت تلقی می‌شود. این مقاله به بررسی سیاست ایران نسبت به شام می‌پردازد و بر روی سوریه به عنوان کانون تعامل ایران با این منطقه در طول دهه گذشته برای حفظ عمق استراتژیک‌اش تمرکز دارد (Wastnidge, 2024).

لافت در پژوهشی راهبردی با عنوان «نفوذ ایران در غرب آسیا» نگرانی‌های محور عبری-عربی درباره سیاست خارجی ایران را فقط محدود به برنامه هسته‌ای آن نمی‌داند؛ بلکه شامل محور مقاومت و اتحادهای آن با گروه‌های ضد نظام سلطه در سراسر غرب آسیا نیز می‌باشد. درخواست‌های متداوم در لبنان (از دهه ۱۹۸۰)، عراق (از سال ۲۰۰۳) و یمن (از سال ۲۰۱۴) فضایی را برای تهران فراهم کرده‌اند تا با حزب‌الله لبنان، شبه‌نظامیان عراقی و حوثی‌های (انصارالله) یمن روابطی برقرار کند و حتی در سرزمین‌های اشغالی فلسطینی، حماس و جهاد اسلامی فلسطین نیز از حمایت ایران برخوردارند (Loft, 2024).

<sup>۱</sup>. برای عدم تکرار مفهوم رژیم صهیونیستی در بعضی از پاراگراف‌ها و به علت کثرت این مفهوم از کلمه رژیم استفاده شده است.

گنگیز در مقاله‌ای با عنوان «آینده روابط ایران و ترکیه: رقابت ژئوپلیتیکی محدود یا تشدید احتمالی بین آنکارا و تهران؟» معتقد است که رابطه جغرافیایی - سیاسی ترکیه و ایران دارای شکاف فزاینده‌ای می‌باشد و دو کشور در مسیرهای سیاسی، اولویت‌ها و منافع متضادی در غرب آسیا قرار دارند. با این وجود در دهه گذشته تهران و آنکارا توانسته‌اند رقابت خود را به ویژه پس از پیروزی ترامپ در ایالات متحده و همچنین حجم بالای تجارت بین دو کشور کنترل کنند. با این حال، اخیراً حجم تجارت بین دو کشور در حال کاهش است و مهم‌تر از همه، از زمان آغاز به کار جو بایدن به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، ترکیه در حال ترمیم روابط خود با رقبای منطقه‌ای ایران از جمله رژیم صهیونیستی است. تمامی این عوامل احتمال رقابت بیشتر میان تهران و آنکارا را افزایش می‌دهد که می‌تواند در صحنه‌های مختلفی از جمله سوریه، عراق و قفقاز جنوبی در آینده نزدیک بروز کند (CENGIZ, 2022).

کورال و اردم در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ترکیه در طول و پس از بهار عربی: رویکرد رئالیسم دفاعی» معتقدند که تحولات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ منجر به بازتوزیع قدرت در غرب آسیا شده است و این تحولات چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و ترکیه به همراه داشت. در حالی که ترکیه این تحولات را فرصتی برای افزایش نفوذ خود در منطقه تلقی کرده است، اما این امر تهدیداتی را برای هژمونی عربستان سعودی در منطقه به وجود آورده است. این مقاله ادعا می‌کند که به دلیل قدرت‌گیری ترکیه در مصر و سوریه، سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به ترکیه در حال تغییر است و این کشور با حمایت از بازیگران محلی در مصر و سوریه سعی دارد وضعیت موجود را حفظ کند (KURAL and Erdem, 2022).

از بین این آثار، دو مقاله آخر بیشترین شباهت را با این نوشتار دارد ولی با این تفاوت که در این نوشتار به زمینه‌های ژئوپلیتیکی سیاست‌گذاری بین دو کشور ایران و ترکیه در غرب آسیا پرداخته می‌شود. این پژوهش با بررسی نقش قدرت نرم ایران و ترکیه در مسئله فلسطین، به درک بهتر از پویایی‌های منطقه‌ای و چالش‌های پیش روی این دو کشور کمک می‌کند. علاوه بر این، این پژوهش با ارائه دیدگاه‌های جدید و جامع در این زمینه، به غنای ادبیات موجود کمک می‌کند و با توجه به اهمیت روزافزون قدرت نرم در سیاست بین‌الملل، به فهم بهتری از تحولات منطقه غرب آسیا کمک کند.

### چارچوب نظری (قدرت نرم)

برای تحقیق در مورد قدرت نرم، طرح سؤالات اساسی و بنیادین اجتناب‌ناپذیر است. چرا به این مفهوم «نرم» اطلاق می‌شود؟ مکانیسم‌های اثرگذاری قدرت نرم چیست و چگونه عمل می‌کنند؟ چرا کشورها تلاش می‌کنند قدرت نرم خود را افزایش دهند و به چه هدفی دست می‌یابند؟ جانیس معتقد است که قدرت نرم باید به‌عنوان مکملی برای قدرت سخت در نظر گرفته شود، نه فقط در مقابله با آن. موفقیت بازیگرانی که هدفشان استفاده از قدرت نرم است، به درک آن‌ها از چگونگی جذاب کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و خودشان برای جوامع دیگر بستگی دارد (Janice, 2005 : 284). این درک نیازمند شناخت دقیق از ارزش‌ها، فرهنگ و منافع جوامع هدف است و به بازیگران این امکان را می‌دهد تا استراتژی‌های مؤثرتری را برای اعمال قدرت نرم خود طراحی کنند. در این زمینه، مؤلفه اصلی قدرت نرم، ارزان بودن آن است؛ زیرا بازیگران برای دستیابی به آن نیازی به استفاده از ابزارهای قدرت سخت ندارند. اجتماعی شدن به‌عنوان یک فرایند، می‌تواند شانس موفقیت قدرت نرم را افزایش دهد. به همین دلیل، اجتماعی شدن حتی از اقناع اهمیت بیشتری دارد، زیرا پذیرش ایده‌ها یا هنجارهای جدید را برای دیگران آسان‌تر می‌کند. قدرت نرم از طریق ایجاد جذابیت و ارائه الگوهای موفق، می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و رفتارهای جوامع هدف منجر شود. این فرایند نیازمند زمان و تلاش مستمر است، اما نتایج آن می‌تواند بسیار پایدارتر از استفاده از قدرت سخت باشد.

نای بر این باور است که قدرت نرم تابعی از اندازه یک منطقه جغرافیایی، قدرت نظامی یا حتی قدرت اقتصادی نیست. به‌عنوان مثال، یک کشور قدرتمند مانند اتحاد جماهیر شوروی، با وجود وسعت جغرافیایی‌اش، در زمان مداخله نظامی در مجارستان و چکسلواکی اعتبار خود را از دست داد، در حالی که یک کشور کوچک مانند نروژ با فعالیت‌های میانجیگری خود در بحران‌های بین‌المللی، قدرت نرم قابل توجهی به دست آورده است. حتی واتیکان که زمانی مورد تمسخر مقامات شوروی قرار می‌گرفت، به علت قدرت دیپلماتیک خود، توانسته است قدرت نرم قابل توجهی را در سطح جهانی کسب کند (Nye, 2004 : 8-10). نای توضیح می‌دهد: «قدرت نرم توانایی دستیابی به خواسته‌های خود از طریق جذب، به جای اجبار یا پرداخت است. زمانی که می‌خواهید دیگران را به اهداف خود سوق دهید، نیازی به اعمال سیاست‌های "هویج و چماق" نیست. قدرت سخت، ناشی از اجبار از طریق قدرت نظامی و اقتصادی یک کشور است، ولی قدرت نرم از جذابیت فرهنگ، آرمان‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود، زمانی که

سیاست‌های ما در نظر دیگران مشروع به نظر می‌رسند (Nye, 2004 : 256). به عبارت دیگر، قدرت نرم از طریق ایجاد جذابیت و ترغیب، اهداف خود را پیش می‌برد. این فرایند نیازمند درک دقیق از نیازها و خواسته‌های جوامع هدف است و به بازیگران این امکان را می‌دهد تا پیام‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که بیشترین تأثیر را داشته باشد.

مفهوم قدرت نرم به اهمیت تعامل دوجانبه و نیاز به تلاش‌های دیپلماتیک برای جذب شهروندان کشورهای دیگر اشاره دارد. امروزه، قدرت نرم به یک مفهوم کلیدی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است و اکثر بازیگران از آن برای افزایش نفوذ خود در نظام بین‌المللی بهره می‌برند. برخی کشورها مانند سوئیس که به دلیل اعتبار جذاب خود در سطح جهانی شناخته می‌شوند، می‌توانند از این قدرت به راحتی بیشتر نسبت به کشورهایی که با ساختار نظام بین‌المللی راحت نیستند، استفاده کنند. ایدئولوژی و فرهنگ، عوامل کلیدی در جذب دیگران به شمار می‌روند. این عوامل می‌توانند به ایجاد اعتماد و همبستگی بین‌المللی کمک کنند (Vibber and Kim, 2015: 115). امروزه، تعریف مفهوم قدرت به‌ویژه به معنای نیروی نظامی، معنای کلاسیک و «اهمیت مطلق» خود را از دست داده و «اهمیت نسبی» یافته است و عوامل جدیدی همچون فناوری، آموزش و قدرت اقتصادی در عرصه بین‌المللی ظهور یافته‌اند؛ به‌گونه‌ای که عوامل کلاسیک مانند جغرافیا، جمعیت و منابع خام و فسیلی، نقش ثانویه‌ای ایفا می‌کنند. (Nye, 2011) انقلاب اطلاعات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به تقویت سیاست نرم در روابط بین‌الملل کمک کرده است. انقلاب اطلاعات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و دیجیتالی، بستری برای تقویت سیاست نرم فراهم کرد. این تحول با افزایش دسترسی به اطلاعات، تسهیل ارتباطات فرامرزی و ظهور رسانه‌های اجتماعی، قدرت تأثیرگذاری فرهنگی و رسانه‌ای را افزایش داد و دولت‌ها را قادر ساخت تا از طریق دیپلماسی عمومی و ارتباطات فرهنگی، جذابیت و مشروعیت خود را در عرصه بین‌الملل ارتقا دهند. در نتیجه، انقلاب اطلاعات با کاهش انحصار دولت‌ها بر اطلاعات و گسترش تعاملات غیردولتی، مکانیسم‌های سنتی قدرت سخت را تضعیف و ابزارهای غیرمستقیم نفوذ مانند فرهنگ، ارزش‌ها و ایدئولوژی را تقویت کرد. (Castells, 2009)

تصمیم‌گیرندگان سعی می‌کنند اهداف خود را با زبانی نرم و قابل فهم مشروعیت ببخشند. آنها از ابزارهای مختلف در مناطق جغرافیایی متفاوت استفاده می‌کنند. در واقع، در سیاست خارجی مبتنی بر قدرت نرم، تصمیم‌گیرندگان «ذهن و قلب» را با هزینه‌ای کمتر نسبت به

هزینه‌های نظامی در مرزها فتح می‌کنند. این رویکرد به کشورها امکان می‌دهد تا بدون استفاده از زور، نفوذ خود را افزایش دهند. این پژوهش رقابت قدرت نرم بین ترکیه و ایران در غرب آسیا را با استفاده از مفهوم قدرت نرم نای بررسی می‌کند. زیرا در زمینه تلاش‌های فرهنگی قدرت‌های میانی منطقه غرب آسیا که هدفشان افزایش جایگاه در مناطق اطراف است، فقدان پژوهش‌های گسترده به چشم می‌خورد که در این مطالعه به‌طور دقیق بررسی خواهد شد. با این حال، رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توانند بر قدرت نرم این کشورها تأثیر بگذارند. در ادامه، به تجزیه و تحلیل قدرت نرم در روابط بین‌الملل با تمرکز بر رقابت‌های میان کشورهای منطقه غرب آسیا پرداخته می‌شود. تحقیق‌های پیشین، ابعاد مختلف قدرت نرم را بررسی کرده‌اند، اما این مطالعه به‌طور خاص به تلاش‌های فرهنگی ترکیه و ایران در جهت تقویت قدرت نرم خود و تأثیرات آن در منطقه می‌پردازد. این پژوهش سعی دارد تا منشاء و ابعاد مختلف این قدرت را به شکلی عمیق‌تر بررسی کرده و به سؤالات بنیادینی در زمینه قدرت نرم پاسخ دهد.

### سیاست خارجی ترکیه و ایران در غرب آسیا

نخبگان سیاسی ترکیه، این کشور را رهبر جهان اسلام می‌دانند و این مسئله توجیهی برای گسترش نفوذ ترکیه در جهان اسلام از طریق اعمال قدرت نرم است. ترکیه دریافته است که در این آشفتگی و اختلاف‌های ناشی از حضور آمریکا در منطقه، بهترین راه برای نفوذ قدرت نرم، تجارت، آموزش و فرهنگ است. افزون بر این مشاهده می‌کنیم که این کشور از قدرت نرم به عنوان ابزاری برای گسترش هوشمندانه روابط اقتصادی و نفوذ سیاسی خود استفاده می‌کند. در واقع ترکیه با استفاده از قدرت نرم در غرب آسیا به یک دولت بازرگان تبدیل شده است و از یک سو ویژگی‌های داخلی رژیم‌ها به ویژه مسائل دموکراسی، حقوق بشری و ... را مطرح می‌کند و از سوی دیگر بر تقویت روابط تجاری با آن‌ها تأکید دارد. به دلیل به هم خوردن توازن قدرت جغرافیای اقتصادی در منطقه، بازبینی راهبرد سیاست خارجی جاری ترکیه از راهبرد به صفر رساندن مشکلات با همسایگان به «راهبرد بهره‌مندی از هوش سرشار و قدرت نرم» سوق داده شده است. البته هر دو راهبرد بیانگر این است که ترکیه، قدرت نرم را در هر دوره‌ای با تاکتیک و ابزار خاص خود به کار می‌گیرد تا اهدافش را تأمین کند. در مجموع می‌توان گفت ترکیه به دو روش قدرت نرم خود را در منطقه اعمال می‌کند: نخست از طریق میانجیگری و برقراری صلح در درگیری‌های سیاسی موجود در قلمروهای جغرافیایی پیرامون خود و

مشارکت در ائتلافها و سازمان‌های منطقه‌ای در پی تأثیرگذاری و نفوذ در منطقه است و دوم با الگوسازی در سطح ملی تلاش می‌کند که الگوی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر خود را به کشورهای دیگر منطقه منتقل کند (اردکانی، ۱۴۰۰: ۲۵-۲۷). با این حال، رویکرد ترکیه در قبال تحولات منطقه همواره با انتقاداتی همراه بوده است. به‌ویژه، حمایت ترکیه از گروه‌های خاص در سوریه و سایر مناطق، با واکنش‌های منفی مواجه شده است.

با آغاز رویدادهای سوریه در سال ۲۰۱۱، سیاست خارجی دولت ترکیه با حمایت از فرقه‌گرایی و جنبش اخوان نه تنها به قدرت نرم خود در منطقه ضربه وارد کرد بلکه با اتهام بی‌دینی به رئیس‌جمهور اسبق سوریه (بشار اسد)، به تنش علوی‌ها با نظام ترکیه دامن زد. در واقع سال ۲۰۱۱ را می‌توان آغاز روند افول قدرت ترکیه پس از تلاش‌های چندین ساله حزب عدالت و توسعه در سیاست داخلی و خارجی تصور کرد به طوری که تحولات داخلی در ترکیه از بهار ۲۰۱۳ مانند تظاهرات پارک گزی که در اواخر ماه مه ۲۰۱۳، کودتای ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ جماعت فتح الله گولن و اعلام وضعیت اضطراری ۲ ساله که با تصفیه‌سازی گسترده در بدنه سیاسی ترکیه به پایان رسید، و افزایش قدرت ریاست جمهوری مطابق با خواسته‌های اردوغان در ژوئیه ۲۰۱۸ به ضرر پارلمان و قوه قضائیه، به کاهش قدرت نرم آن در منطقه منجر شده است. (Yavuz, 2019) این تحولات داخلی و خارجی باعث شده است که ترکیه با چالش‌های جدی در زمینه حفظ و گسترش نفوذ خود در منطقه روبرو شود. از جمله این چالش‌ها، می‌توان به کاهش اعتماد به ترکیه در میان برخی از جوامع منطقه و افزایش انتقادات بین‌المللی از سیاست‌های این کشور اشاره کرد.

در رابطه با ایران گفتنی است که پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ وجه دیگر از قدرت ایران در حوزه نرم مشخص گردید و قدرت الهام‌بخشی انقلاب اسلامی بر ملت‌های منطقه و حتی جنبش‌ها و ملت‌های آزادی‌خواه سراسر جهان برکسی پوشیده نیست. انقلاب ایران به واسطه داشتن عقبه تاریخی، فرهنگی و ... توانست در سطح منطقه اثرات جدی بر جای گذارد که بعنوان مثال اگر نگوئیم علت تام بیداری اسلامی در جهان عرب امروز، بلکه یکی از علل اصلی دومینوی بیداری اسلامی در جهان عرب انقلاب اسلامی می‌باشد که ریشه آن را باید در آموزه‌های فرهنگی سال ۱۳۵۷ جستجو کرد. اگر بطور مشخص و منسجم بخواهیم حوزه اعمال قدرت نرم ایران را در منطقه ذکر نمائیم به سه حوزه‌ی عمده می‌توان اشاره نمود:

۱- حوزه‌ی ژئوپلیتیکی غرب آسیا که مهمترین کشورها در این حوزه لبنان، بحرین، سوریه و

عراق است. ۲- حوزه ژئوپلیتیکی هند و چین که شامل کشورهای افغانستان و پاکستان می‌باشد. ۳- حوزه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی که می‌توان در این حوزه به تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان اشاره نمود. اصولاً بطور مشخص نمی‌توان حوزه‌های اعمال قدرت نرم ایران را چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی نشان داد؛ چرا که قابلیت قدرت نرم به همین اصل وابسته است که اندازه‌گیری آن و شناخت حوزه‌های نفوذ آن به مراتب سخت‌تر از قدرت کلاسیک می‌باشد. لیکن می‌توان ادعا کرد ایران دارای قابلیت بیشتر جهت اعمال نفوذ نرم در مناطقی مانند غرب آسیا به نسبت مناطق دیگر است، چرا که قدرت نرم بیشتر منشعب از قدرت فرهنگ است که این قدرت دارای ویژگی سیال و شناور می‌باشد (نصیری، ۱۳۹۹: ۱۵-۱۶). با این حال، تحریم‌های بین‌المللی و چالش‌های اقتصادی داخلی، مانع از گسترش بیشتر قدرت نرم ایران در منطقه شده است. علاوه بر این، برخی سیاست‌های منطقه‌ای ایران نیز با انتقادات مواجه شده است که به کاهش جذابیت آن در میان برخی جوامع منجر شده است. همچنین ترک‌ها نیز با چالش‌های داخلی جدی مانند مسئله کردها و همچنین چالش‌های خارجی مانند روابط بی‌ثبات با اتحادیه اروپا دست و پنجه نرم می‌کنند.

در مجموع، می‌توان گفت که ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر مهم در منطقه غرب آسیا، از ابزارهای قدرت نرم برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. با این حال، هر دو کشور با چالش‌های داخلی و خارجی متعددی روبرو هستند که می‌تواند تأثیرگذاری آن‌ها را محدود کند. بررسی دقیق‌تر این چالش‌ها و فرصت‌ها، می‌تواند به درک بهتری از پویایی‌هایی منطقه‌ای کمک کند. برای مثال، بررسی نقش ایران و ترکیه در مسئله فلسطین، می‌تواند نشان دهد که چگونه این دو کشور از ابزارهای قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و حمایت از گروه‌های خاص استفاده می‌کنند. این دو کشور از طریق حمایت رسانه‌ای مانند کمک به راه‌اندازی شبکه‌های حامی جبهه مقاومت (مثل المیادین توسط ایران) و حمایت از گروه‌های خاص فلسطینی (مانند حماس توسط ترکیه و ایران و یا جهاد اسلامی فلسطین توسط ایران) و همچنین دیپلماسی عمومی (مانند سخنرانی‌های مقام‌های ارشد سیاسی این دو کشور در حمایت از آرمان فلسطین) توانسته‌اند از قدرت نرم خود برای حمایت از فلسطین در تقابل با رژیم اسرائیل استفاده نمایند.

## قدرت فرهنگی و سیاست‌گذاری ترکیه و ایران در غرب آسیا

فرهنگ به عنوان یک منبع مهم قدرت نرم قلمداد می‌شود و زمانی این عامل موجب افزایش قدرت نرم می‌باشد که در نگاه دیگران تولید جذابیت نماید. این جذابیت هم ذات پنداری با منابع فرهنگی غالب و در نهایت منجر به نفوذ صاحب فرهنگ برتر در جامعه‌ای می‌شود که مجذوب ارزش‌های فرهنگی آن فرهنگ والاتر شده است. در یک توضیح تفصیلی‌تر و دقیق‌تر، فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، نمادها، الگوهای رفتاری و تولیدات مادی و معنوی یک جامعه تعریف می‌شود که در چارچوب قدرت نرم، زمانی تبدیل به منبع نفوذ می‌گردد که برای دیگران جذابیت و مشروعیت ایجاد کند. این جذابیت، از طریق همذات‌پنداری مخاطبان با عناصر فرهنگی (مانند هنر، ادبیات، سبک زندگی یا ایدئولوژی) به نفوذ غیرمستقیم می‌انجامد. فرهنگ زمانی به ابزار قدرت نرم تبدیل می‌شود که «دیگری» آن را نه به‌عنوان تحمیل، بلکه به‌عنوان الگویی مطلوب و ارزشمند برای تقلید یا همگرایی بپذیرد (مثل نفوذ فرهنگی هالیوود یا جذابیت مکتب‌های فلسفی غرب). هرچند بعد از بازگشت به هویت دینی در ترکیه و اسلام سیاسی، اربکان در سال ۱۹۹۷ در پی کودتای سفید از صحنه سیاسی ترکیه کنار گذاشته شد اما عقب‌رانند میراث کمالیسم در ترکیه بر یک رویکرد تک‌خطی لائیسسته و فضای دو قطبی اسلام‌گرایی - روشنفکری و سنت‌گرایی - مدرنیسم از ویژگی‌های دوران حکمرانی حزب عدالت و توسعه است. اسلام‌گرایی برای اردوغان به معنای هویت سیاسی است که بر اولویت نهاد خانواده، اخلاق و تغییرات منظم در چارچوب اهداف ترکیه تأکید می‌کند و در این چارچوب حزب عدالت و توسعه از مدرن‌سازی اسلام‌گرایانه به نفع طبقه متوسط، جامعه مدنی، شهرنشینی و اقتصاد بازار حمایت کرده است. تأکید دولت ترکیه بر نقش دین جهت تعریف زندگی مدرن است و همان هدف پروژه مدرنیزه‌شدن و پیشرفت کمالیست‌ها را با یک شکل جدید پیگیری می‌کند که سنت آن را قابل جمع با مدرنیته می‌داند. به همین دلیل اردوغان علاوه بر پیگیری عضویت در اتحادیه اروپا تمرکز سیاست خارجی خود را غرب آسیا قرار داده است. در واقع هویت اسلامی حزب عدالت و توسعه یکی از عوامل مهمی است که در کنار سایر عوامل سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری منجر به اتصال ترکیه به غرب آسیا شده است و رهبران حاکم از این هویت مشترک با کشورهای منطقه استفاده کرده‌اند و به تقویت روابط با کشورهای منطقه پرداخته و برای به دست آوردن قلوب مسلمانان به برجسته‌کردن روابط اسلامی و هویت آن‌ها در گفتمان عمومی پرداختند

(ریبئی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷-۹). این رویکرد به ترکیه امکان داده است تا با استفاده از ابزارهای فرهنگی و مذهبی، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد.

همچنین در زمینه آموزش عالی، ترکیه از اوایل دهه ۲۰۱۰ از این ابزار به عنوان یک محصول فرهنگی سطح بالا به طور گسترده استفاده کرده است. ترکیه در سال ۲۰۱۲، تحت حمایت ریاست جمهوری برای ترک‌های خارج از کشور و جوامع مرتبط<sup>۱</sup>، پروژه بزرگ تبادل دانشجویی خود را که در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شده بود، با افزایش تعداد کشورهای بهره‌مند و گسترش دامنه آن به عنوان بورسیه‌های ترکیه تغییر نام داد. دانشجویان اهل منطقه منا، ۴۳۱۶ بورسیه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سال ۲۰۲۲ دریافت کردند و علاوه بر بورسیه‌ها، دانشگاه‌های ترکیه بر اساس آمار سال ۲۰۲۳ میزبان ۱۴۴۷۷۶ دانشجو از منطقه منا هستند. علاوه بر این، برخی از مؤسسات دولتی مانند بنیاد دیانت ترکیه<sup>۲</sup> از مؤسسات آموزش عالی در خارج از کشور حمایت کرده‌اند که دانشگاه اسلامی غزه در فلسطین که ۱۶۰ دانشجو در آن تحصیل می‌کند، یکی از این مؤسسات بوده است. با این حال، رتبه‌بندی دانشگاه‌های آموزش عالی ترکیه، چندان امیدوارکننده نبوده است و سه دانشگاه ترکیه در رتبه‌بندی جهانی دانشگاه‌های تایمز ۲۰۲۳ در رتبه ۴۰۱-۵۰۰ قرار گرفتند، یک دانشگاه ترکیه در رتبه‌بندی جهانی دانشگاه‌های کیو اس در رتبه ۴۰۱-۵۰۰ قرار گرفت و یک دانشگاه ترکیه در رتبه‌بندی لیدن در رتبه ۴۰۱-۵۰۰ قرار گرفت (Times Higher Education, 2023). این نتایج ممکن است دانشجویان و دانشگاهیان درخشان منطقه منا را از ترکیه دور کند، که این امر احتمالاً در آینده به قدرت نرم ترکیه آسیب وارد می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که کیفیت آموزش عالی و جذب نخبگان منطقه‌ای، چالش مهمی برای ترکیه است.

قدرت نرم ایران با ایدئولوژی انقلابی و پیشینه فرهنگی‌اش، پیوندی ناگسستنی دارد و این عمیقاً از تعبیر امام خمینی (ره) از حاکمیت سیاسی در اسلام شیعه اثنی عشری منبعث شده است که به اعتقاد ایشان مؤثرترین راه برای ایجاد یک حکومت اسلامی ایده‌آل است. مفهوم امام(ره) از انقلاب اسلامی محدود به ایران نبود، بلکه شامل صادرات ایدئولوژی فرهنگی به خارج از کشور بود. در همین راستا مقامات ایرانی تلاش کرده‌اند تا ارزش‌های فرهنگی و سیاسی ایران را در سراسر غرب آسیا و سایر مناطق از جمله جمعیت فارسی زبان در آسیای میانه، اقلیت‌های شیعه در جنوب آسیا و جمعیت شیعه و غیرشیعه در آفریقا، آمریکای لاتین،

<sup>۱</sup>. YTB

<sup>۲</sup>. TDV

آسیا، اروپا و آمریکای شمالی گسترش دهند و روایت‌های مقاومتی را ترویج دهند که اولاً بر اساس دستاوردهای قدرت سخت و تاریخ و هویت فارسی ایران بنا شده است و دوماً متناسب با شرایط و مخاطبان محلی برای ایجاد قرابت و نقاط اتصال است و ابزار اصلی تهران برای اجرای قدرت نرم سازمان‌های رسمی و غیر رسمی مانند صدا و سیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مراکز فرهنگی، دانشگاه‌ها و بنیادهای خیریه می‌باشد (برزو و همکاران، ۱۳۹۹: ۵-۶). فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی ج.ا. ایران برای تقویت روابط خود با جوامع شیعه در منطقه منا و افزایش نفوذ خود در سراسر منطقه بسیار فعال است و در همین راستا، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی<sup>۱</sup>، جشنواره‌های بین‌المللی فیلم، کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌های گردشگری، جشنواره‌های تئاتر، مراسم اعطای جوایز، جشنواره‌های غذایی، دوره‌های ادبیات فارسی، جشنواره‌های ادبی، سمینارها و همایش‌ها را برگزار می‌کند (ICRO, 2023). مجمع جهانی اهل بیت هر چهار سال یک بار، علما و رهبران برجسته مذهبی شیعه را از سراسر جهان برای کنفرانسی در تهران گرد هم می‌آورد و در این راستا در سال ۲۰۰۶ شبکه تلویزیونی الکوثر راه‌اندازی شده است که برنامه‌های مذهبی و فرهنگی را برای مخاطبان عرب در منطقه منا پخش می‌کند. همچنین ایران ارائه دوره‌های زبان فارسی و برنامه‌های تدریس زبان فارسی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های عراق، لبنان و سوریه را مورد توجه قرار داد و در عراق، ایران مجله آنلاین آموزش فارسی به نام «مینا» را برای تسهیل دسترسی دانشجویان عراقی به زبان فارسی و اهدای منظم کتاب‌های درسی زبان فارسی به دانشگاه‌ها منتشر کرد. تهران همچنین حوزه‌های علمیه شیعه معروف به حسینیه‌ها را در دیرالزور شرق سوریه که زبان فارسی در آنها تدریس می‌شود، افتتاح کرد. با این وجود جذاب‌ترین محصول فرهنگی محبوب ایران، سینمای نوآور، ظریف و جذاب آن است؛ کارگردانان، فیلمنامه‌نویسان، بازیگران و هنرپیشه‌های ایرانی جوایز بسیاری (خرس طلایی، شیر طلایی، اسکار، نخل طلا) در جشنواره‌های بین‌المللی معتبر کسب کرده‌اند. آی فیلم یک شبکه سرگرمی ایرانی متعلق به صدا و سیما ایران از سال ۲۰۱۰ به دوبله و پخش فیلم‌های ایرانی و سریال‌های تلویزیونی برای جهان عرب زبان مشغول است و این شبکه در بحرین، عراق، لبنان، مراکش و عربستان سعودی موفقیت‌هایی کسب نموده است. این سریال‌ها زندگی انبیا (ع)، یوسف (ع) و اقوام/بازار انبیا مانند حضرت مریم (س) و امام علی (ع) را از دیدگاه اسلامی به تصویر می‌کشد (Akbar, 2023: 231).

<sup>۱</sup>. ICRO

ج.ا. ایران تلاش می‌کند تا صنعت گردشگری مذهبی را از طریق معافیت روادید (مصر، لبنان، سوریه، ترکیه)، ویزای الکترونیکی (عمان)، ویزای ویژه (اردن) و توافقنامه‌های روادید ورود افزایش دهد و زیرساخت‌های گردشگری خود را توسعه دهد. اماکن مذهبی ایران در سال‌های گذشته شاهد افزایش سفر شهروندان شیعه عراق، کویت، لبنان و عمان بوده است که این امر به ظرفیت قدرت نرم این کشور کمک می‌کند. ایران خود را به عنوان مدافع اماکن مقدس شیعه در غرب آسیا معرفی می‌کند و تحت رهبری ستاد بازسازی اماکن مقدس و بنیاد کوثر کارهای ساخت و ساز، توسعه و بازسازی را در عراق، لبنان و سوریه انجام می‌دهد. همچنین دانشگاه‌های ایران در کشورهایی با جمعیت شیعه مانند عراق، لبنان و سوریه و همچنین کشورهای خلیج فارس که میزبان تعداد زیادی از ایرانیان خارج از کشور مانند کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی هستند، شعبه تاسیس کرده‌اند. ایران از دانشجویان جوامع شیعه در غرب آسیا استقبال می‌کند و دانشگاه بین‌المللی اهل البیت، دانشگاه بین‌المللی المصطفی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه فردوسی مشهد و دیگر دانشگاه‌های ایرانی میزبان دانشجویانی از عراق، لبنان، سوریه و یمن هستند (Wallace, 2022).

### قدرت نرم ایران و ترکیه در موضوع فلسطین

در این بخش منابع، ابزارها و محدودیت‌های قدرت نرم ایران و ترکیه در سیاست خارجی‌شان نسبت به مسئله فلسطین بررسی می‌شود. این تحلیل بر اساس فرضیه‌های پژوهش (که در مقدمه ذکر شد) انجام می‌گیرد: اول، تفاوت تأثیر قدرت نرم دو کشور به دلیل متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛ دوم، تمرکز ایران بر لایه مقاومت و ترکیه بر دیپلماسی و اقتصاد؛ و سوم، چالش‌های مشترک در جذب افکار عمومی غرب آسیا. با استفاده از چارچوب نظری قدرت نرم (Nye, 2004؛ Janice, 2005)، منابع قدرت نرم هر کشور (مانند فرهنگ، آموزش و دیپلماسی) با محدودیت‌های عملی مقایسه می‌شود. برای خلاصه و وضوح بیشتر، جدول زیر ارائه شده است که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را بر اساس داده‌های اسنادی و آماری نشان می‌دهد.

جدول ۱: مقایسه قدرت نرم ایران و ترکیه در مسئله فلسطین (۲۰۱۰-۲۰۲۴)

مؤلفه قدرت نرم	ایران	ترکیه	مقایسه/تفاوت
منابع اصلی	تمرکز بر فرهنگ، مقاومت اسلامی، حمایت از گروه‌های فلسطینی (مانند حماس و حزب‌الله) و ابزارهای فرهنگی مانند جشنواره‌های مقاومت (ICRO, 2023).	تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی، مانند بورسیه‌های تحصیلی برای فلسطینی‌ها (YTB, 2023) و کمک‌های توسعه‌ای (TIKA, 2023).	ایران ایدئولوژیک و فرهنگی محور است، در حالی که ترکیه اقتصادی و دیپلماتیک عمل می‌کند (قنبرلو، ۱۳۹۰).
تمرکز در مسئله فلسطین	بروز در لایه مقاومت (حمایت نظمی و فرهنگی از محور مقاومت) و تأکید بر صیدیت با رژیم صهیونیستی (Wastnidge, 2024; Loft, 2024).	بروز در لایه دیپلماسی و اقتصاد (حمایت از قطر و تجارت با منطقه)، اما با ادعاهای حمایتی از فلسطین (Çevik, 2024).	ایران پایدارتر در حمایت مقاومتی است، ترکیه بیشتر معاملات و متغیر (کریمی فرد، ۱۴۰۲).
محدودیت‌ها و چالش‌ها	تحریم‌های بین‌المللی، تصویر منفی در رسانه‌های غربی و چالش جذب غیرمسلمانان (ربیعی نیا و همکاران، ۱۳۹۷; Nye, 2011).	تناقض بین ادعاها و عمل (مثل تجارت ۷ میلیارد دلاری با اسرائیل و سرکوب اعتراضات فلسطینی) که به هشتگ‌هایی مانند #ترکیا_تاجر_بدماء_الفلسطینیین منجر شده (IRIB News, 2023; TurkStat, 2024).	هر دو با چالش افکار عمومی مواجه‌اند، اما ترکیه بیشتر به دلیل تناقض عملی تضعیف می‌شود (Kutay, 2021).
آمار کلیدی	حمایت بیش از ۷۰٪ مسلمانان غرب آسیا در نظرسنجی‌ها در مورد مقاومت (Pew Research Center, 2023); کمک‌های فرهنگی به فلسطین (نصیری، ۱۳۹۹).	صادرات ۵.۴ میلیارد دلاری به اسرائیل (Ministry of Economy of Israel, 2024); بورسیه به بیش از ۱۵۰۰ دانشجوی فلسطینی (YTB, 2023).	ایران تأثیر فرهنگی بلندمدت دارد، ترکیه رشد اقتصادی کوتاه‌مدت اما پرریسک (برزو و همکاران، ۱۳۹۹).

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، قدرت نرم ایران بیشتر بر پایه ارزش‌های ایدئولوژیک و مقاومت فرهنگی استوار است که این امر به نفوذ پایدار در میان جوامع مسلمان غرب آسیا منجر شده، اما با محدودیت‌هایی مانند تحریم‌ها و چالش‌های دیپلماتیک همراه است (Dolatabadi & Kamrava, 2022). در مقابل، ترکیه از ابزارهای اقتصادی و دیپلماتیک بهره می‌برد که جذابیت کوتاه‌مدتی ایجاد می‌کند، اما تناقض‌هایی مانند ادامه تجارت با رژیم صهیونیستی (علی‌رغم ادعاهای حمایتی از فلسطین) قدرت نرم آن را تضعیف کرده و به چالش‌های داخلی مانند سرکوب اعتراضات دانشجویی منجر شده است (Kutay, 2021؛ IRIB News, 2023). این تفاوت‌ها فرضیه اول پژوهش را تأیید می‌کند، در حالی که چالش‌های مشترک (فرضیه سوم) نشان‌دهنده نیاز به استراتژی‌های یکپارچه‌تر برای جذب افکار عمومی است. در نهایت، این مقایسه تأکید می‌کند که قدرت نرم هر دو کشور در مسئله فلسطین، علی‌رغم محدودیت‌ها، نقش کلیدی در تحولات منطقه‌ای ایفا می‌کند (Çevik, 2022؛ Wastnidge, 2024). این تحلیل می‌تواند پایه‌ای برای بخش نتیجه‌گیری باشد و پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران هر دو کشور بر کاهش تناقض‌ها و تقویت جنبه‌های فرهنگی تمرکز کنند.

بنابراین موضوع فلسطین به عنوان یکی از مهمترین اختلافات ترکیه و صهیونیست‌ها برای عدم عادی‌سازی روابط عنوان شده است چرا که از طرفی با توجه به ادعای رهبری جهان اسلام از سوی ترکیه، معرفی این کشور به عنوان قهرمان آرمان فلسطین، به یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده و از سوی دیگر، انکار وجود دو دولت در سرزمین‌های اشغالی از سوی صهیونیست‌ها علاوه بر ایجاد دو سیاست موازی، موجب تیرگی روابط و حتی تهدید به قطع کامل ارتباطات شده است. البته به شکل دقیق‌تر مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم عادی‌سازی روابط ترکیه و اسرائیل شامل اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی (مانند حمایت ضمنی ترکیه از فلسطین)، مسائل امنیتی و ژئوپلیتیک (رقابت دو کشور در شرق مدیترانه بر سر منابع گازی و همکاری نظامی اسرائیل با یونان و قبرس)، و فشار داخلی و هویتی (نقش گروه‌های اسلام‌گرا و افکار عمومی مسلمان‌گرای ترکیه در مخالفت با روابط با اسرائیل) است. همچنین، مسائل تاریخی و بی‌اعتمادی (مانند حادثه کشتی مرمه در ۲۰۱۰ و اخراج سفیران دو کشور در درگیری‌های مختلف) نیز مانع بزرگی در بهبود روابط بوده‌اند. این بدین معناست که گاهی موضوع فلسطین تنها ابزاری در دست ترکیه برای فشار به اسرائیل به عنوان یکی از شرکای تجاری مهم ترکیه و رقیب مهم آن در منطقه غرب آسیا محسوب می‌گردد. ترکیه که

تحت عنوان دکترین عمق راهبردی به سوی منطقه غرب آسیا گرایش پیدا کرده، در اصل دوم دکترین مورد نظر خود، با ادعای پوشیدن ردای حفاظت از مسلمانان جهان، عنوان می‌کند تنها در سایه همکاری مسلمانان سراسر جهان به قدرتی بزرگ تبدیل شده و در این راستا همواره دیدگاه‌های ضدصهیونیستی به الگوی غالب صاحب‌نظران و اتاق‌های فکر حزب عدالت و توسعه تبدیل شده است به طوری که ترکیه از اواسط دهه ۲۰۰۰ توجه فزاینده‌ای به مسئله فلسطین نشان داده است و انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ در فلسطین که حماس شاخه‌ای از اخوان‌المسلمین مصر را به قدرت رساند، نگرانی‌هایی را در غرب آسیا مخصوصاً برای رژیم صهیونیستی و همچنین سایر بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان و مصر برانگیخت. ترکیه حماس را به عنوان نماینده منتخب مردم فلسطین می‌دید و تلاش کرد آن را متقاعد کند تا با شرایط گروه چهارجانبه<sup>۱</sup> (ارائه کمک خارجی به تشکیلات خودگردان فلسطین<sup>۲</sup> را مشروط به شناسایی رژیم صهیونیستی توسط حماس، تعهد آن به عدم خشونت و شناسایی تمام توافقات قبلی بین رژیم و تشکیلات خودگردان) موافقت کند اما عملیات سرب گذاخته رژیم در دسامبر ۲۰۰۸ و ژانویه ۲۰۰۹، که منجر به کشته شدن غیرنظامیان زیادی در نوار غزه شد، نقطه عطفی برای سیاست فلسطینی ترکیه بود. این تحول به تدریج روابط با رژیم صهیونیستی را تحت فشار قرار داد و منجر به بحران داووس در ژانویه ۲۰۰۹ و حمله به کاروان دریایی مرمه آبی در مه ۲۰۱۰ شد. ترکیه با حمایت از پیشنهاد سازمان ملل برای ارتقای وضعیت فلسطین به کشور ناظر غیرعضو در نوامبر ۲۰۱۲ و پشتیبانی از پذیرش فلسطین در اینترپل در سپتامبر ۲۰۱۷، به تشکیلات خودگردان کمک کرد تا در عرصه بین‌المللی بیشتر دیده شود (Çevik, 2024 : 21-22).

با این وجود آنچه در عمل مشاهده شده است، استفاده از کارت بازی فلسطین به عنوان یک مسئله شخصی برای اردوغان و یک مسئله ملی برای بهره‌برداری ترکیه بوده تا علاوه بر معرفی این کشور به عنوان قدرتی پیشرو در منطقه غرب آسیا بر مشروعیت اسلامی خود افزوده و زیرساخت‌های نفوذ اقتصادی در منطقه ایجاد کند؛ لذا حمایت این کشور از گروه‌هایی مانند حماس، صرفاً تصمیمی راهبردی برای تأثیرگذاری بر امور منطقه غرب آسیا از طریق بازیگران غیردولتی است. علاوه بر این، ترکیه با برافراشتن پرچم پوپولیستی حمایت از فلسطین و معرفی خود به عنوان بازیگری اخلاقی، می‌تواند بر سیاست‌های سرکوبگرانه خود از جمله علیه اقلیت کُرد در این کشور سرپوش بگذارد. مواردی که همگی نشان دهنده سیاست این کشور به عنوان

<sup>۱</sup>. روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و سازمان ملل معروف به Quartet

<sup>۲</sup>. PNA

ترکیبی از ایدئولوژی، پوپولیسم و احساس‌گرایی بوده و نشان‌دهنده ناتوانی آن جهت حمایت از آرمان فلسطین به عنوان یک هدف اساسی می‌باشد. مواردی که با عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس، علی‌رغم عدم انجام شرط ترکیه مبنی بر رفع محاصره غزه از سوی این رژیم، پس از بحران کشتی مرمره، کمک‌همیشگی جهت حمایت مالی فلسطین توسط قطر و کمک به برقراری آتش‌بس بین رژیم اشغالگر و فلسطینیان توسط مصر، افزایش حجم مبادلات اقتصادی با صهیونیست‌ها، همزمان با پیشنهاد تحریم تجارت با این کشور به دلیل پایتختی بیت المقدس، میزبانی از رئیس‌جمهور رژیم اشغالگر قدس در بحبوحه تنش گروه‌های مقاومت با رژیم اشغالگر و اعتماد ۲۲ درصدی مردم غزه به اردوغان حتی در اوج حمایت ترکیه از فلسطین و... صوری بودن اختلافات رژیم اشغالگر قدس و ترکیه بر سر فلسطین و لفاظی‌های ترکیه در حمایت از آرمان فلسطین را تأیید می‌کند (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸). این تحلیل نشان‌دهنده دیدگاه انتقادی نسبت به سیاست‌های ترکیه در قبال فلسطین است و بر جنبه‌های عمل‌گرایانه و بهره‌برداری سیاسی آن تأکید دارد.

بعد از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، آنکارا سیاست محتاطانه در پیش‌گرفت و خواستار آتش‌بس فوری شد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه فعالانه به دنبال راه حل دیپلماتیک با استفاده از دیپلماسی تلفنی و اعزام هاکن فیدان وزیر امور خارجه به پایتخت‌های منطقه بود؛ پیام آنکارا واضح بود و بر راه‌حل دو‌کشوری تأکید کرد و جامعه بین‌المللی پس از آتش‌بس و تبادل گروگان‌ها بین طرفین، باید روی چارچوب سیاسی کار کند. اما حمله زمینی رژیم صهیونیستی به غزه و بحران انسانی، انتقاد ترکیه از دولت رژیم صهیونیستی را تشدید کرد. اردوغان نتانیاهو را «قصاب غزه» خواند و این رژیم را «دولت تروریست» خواند و نتانیاهو را به تحریک یهودستیزی در سراسر جهان متهم کرد. اردوغان رژیم صهیونیستی را متهم کرد که به جای یک کشور مانند یک باند عمل می‌کند و اردوغان ابراز امیدواری کرد که کشورش به نوعی نقش ضامن را داشته باشد و این جنگ به جنگ مذهبی تبدیل نشود. عده‌ای معتقدند که سیاست لفاظی اردوغان به دو دلیل در راستای تحکیم موقعیت‌اش می‌باشد: ۱- اردوغان که از زمان پیروزی سخت در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، موقعیت سیاسی متزلزلی داشته بنابراین تلاش می‌کند تا بتواند موضعی آشکارا به نفع حماس گرفته تا وضعیت خود را بهبود بخشد. ۲- با وجود انتقادهای مداوم اردوغان از رژیم صهیونیستی، او همچنان متهم است که با این رژیم تجارت می‌کند. متین جیهان روزنامه نگار ترک در تبعید، مدعی شد که یک کشتی

متعلق به شرکت بوراک اردوغان پسر اردوغان به صورت دائم محموله‌های مختلفی را به سمت رژیم صهیونیستی روانه می‌کند. رژیم صهیونیستی برای نفت به منابع خارجی وابسته است و جیهان ادعا می‌کند که نفتکش‌های ترکیه نفت را به رژیم صهیونیستی می‌رسانند. حتی احزاب چپ منتقد اردوغان معتقدند که سلاح‌های حرارتی برای ارتش رژیم صهیونیستی از بنادر ترکیه حمل می‌شود و آمریکایی‌ها هواپیما و کشتی می‌فرستند و اردوغان سلاح‌هایشان را برای کشتن ۴۰ هزار انسان تامین می‌کند (کریمی فرد، ۱۴۰۲: ۱۲-۱۷). این انتقادات نشان‌دهنده وجود شکاف بین گفتار و عمل ترکیه در قبال مسئله فلسطین است. در مجموع به نظر می‌رسد که ترکیه از آرمان‌های فلسطینی که مدت‌ها از آن حمایت می‌کرد و از منابع قدرت نرمش بوده است، بسیار دور شده است.

موضوع فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یکی از محوری‌ترین مسائل ایران در سطح روابط با همسایگان جنوبی، منطقه غرب آسیا و سطح جهانی بوده است. از ابتدای تشکیل نظام ج.ا.ایران و در قالب رویکرد سیاست عدم تعهد و حمایت از مسلمانان، سیاست خارجی ایران بر عدم شناسایی رژیم اسراییل و حمایت و پشتیبانی از حقوق مردم فلسطین قرار گرفت و مبارزات فلسطینیان که تا قبل سال ۱۹۷۹ بعد سیاسی و نظامی داشت، بعد انقلاب اسلامی دارای رویکرد اعتقادی با وجهه اسلامی شد. ایران از روزهای اولیه جمهوری اسلامی، مسئله فلسطین را به عنوان نمونه‌ای از بی‌عدالتی و ظلم در نظر گرفته و از جهان اسلام خواسته است تا توجه بیشتری به وضعیت فلسطینیان داشته باشد. در ماه مه ۱۹۹۰، مجلس ایران قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین را تصویب کرد تا وزارتخانه‌ها، نهادهای عمومی و بنیادهای وابسته به دولت را موظف کند به انتفاضه فلسطینی‌ها کمک‌های سیاسی، مالی و آموزشی ارائه دهند. تهران از سال ۱۹۹۱ به صورت گاه‌به‌گاه کنفرانس‌های بین‌المللی انتفاضه را برگزار می‌کند که در آن نمایندگان حماس، حزب‌الله و جهاد اسلامی همراه با نمایندگان کشورهای مسلمان و اعضای سازمان‌های غیردولتی مسلمان حضور می‌یابند. ایران مشابه ترکیه، پیروزی انتخاباتی حماس در سال ۲۰۰۶ را پذیرفت، زیرا حماس به دلیل عدم شناسایی رژیم صهیونیستی، بخشی از بلوک مقاومت دیده می‌شد. کمی پس از عملیات سرب‌گداخته، ایران همچنین یک کنفرانس بین‌المللی در حمایت از فلسطین برگزار کرد و مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد که ۲۹دی را به عنوان روز غزه تعیین کرد. همچنین ج.ا.ایران از اوایل دهه ۱۹۹۰ نسبت به پیشنهادهای صلح ارائه شده برای حل درگیری

رژیم صهیونیستی - فلسطین بدبین بوده است، در حالی که ترکیه راه حل دو دولتی را انتخاب کرد، ایران معتقد بود که هر راه حلی که دولت رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد، امنیت و ثبات غرب آسیا را تهدید می‌کند. بر این اساس، ایران نسبت به طرح صلح ترامپ بسیار انتقاد نموده و سخنگوی وقت وزارت امور خارجه ایران، سید عباس موسوی، آن را «خیانت قرن» نامید. ایران در نوامبر ۲۰۱۹ طرح صلح خود را ارائه کرد که شامل اجرای حق بازگشت پناهندگان فلسطینی به سرزمین خود و برگزاری یک همه‌پرسی ملی در میان مردم فلسطین از تمام ادیان که قبل از صدور اعلامیه بالفور در این سرزمین ساکن بودند، می‌شد (Loft, 2024 : 22-23).

به اعتقاد برخی تحلیلگران، حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ گروه حماس به رژیم صهیونیستی تأثیرات مهمی بر راهبرد امنیت ملی ایران داشته است. تهران این حمله را به عنوان نشانه‌ای از افزایش نفوذ و قدرت متحدان منطقه‌ای خود در مقابله با دشمنانش می‌دید و تلاش کرد از آن برای تقویت جایگاه خود در معادلات منطقه‌ای بهره‌بردارد (Alfoneh, 2023). ستون اصلی سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی ایران، تأمین مالی، تسلیح، آموزش و مشاوره به شبکه‌ای از بازیگران غیر دولتی همفکر و دولت‌های منطقه‌ای در یک اتحاد ضدآمریکایی و ضد صهیونیستی یعنی «محور مقاومت» بوده است. ایران تلاش کرده اعضای محور را به تصمیم‌گیرندگان کلیدی «تعیین کننده» در کشورهای مبدأشان تبدیل کند تا بتوانند سیاست‌های کشورهایشان را به نفع سیاست‌های محور مقاومت هدایت کنند. رهبران و طراحان راهبردها در ایران، محور مقاومت را به عنوان ابزاری برای بازدارندگی از حمله آمریکا به ایران، آن هم با نمایش توانایی حمله موثر به هر نقطه‌ای در منطقه در نظر گرفتند. از منظر ایدئولوژیک این محور، رژیم صهیونیستی را با یک «حلقه آتش» روبه‌رو کرده است که می‌تواند رهبران آن را تحت فشار قرار دهد تا به تأسیس یک دولت فلسطینی رضایت دهند یا در نهایت، حس امنیت رژیم را تضعیف کند و تداوم کشور رژیم صهیونیستی را ناممکن سازد. ایران از همان ابتدای جنگ در روز ۷ اکتبر در کنار مقاومت قرار گرفته و دستاوردهای مثبت عملیات طوفان الاقصی را مورد تأکید قرار داد. از مهمترین مؤلفه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از عملیات طوفان الاقصی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. تأکید بر اولویت موضوع فلسطین در سیاست خارجی به ویژه در حمایت از گروه‌های مقاومت و رد اشغالگری صهیونیستی ۲. تقویت مناسبات راهبردی با جریان‌ها و گروه‌های نزدیک به خود در محور مقاومت و حفظ قدرت و موقعیت این گروه‌ها و جلوگیری از خروج آن‌ها از عرصه تاثیرگذاری منطقه‌ای ۳. حفظ قدرت بازدارندگی و

تقویت این بازدارندگی در سطح منطقه به ویژه در مدیریت عرصه تقابل با رژیم صهیونیستی با اجرای عملیاتهای وعده صادق ۱ و ۲ (Mühlberger, 2024).

اقدامات دهه های گذشته ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا و در پیوند با فلسطینی ها و پافشاری بر مواضع ضد رژیم صهیونیستی، هم رژیم مذکور را با مشکلات فراوانی مواجه ساخته و هم جذابیت ایران به عنوان حامی صادق و قابل اتکا برای مردم فلسطین افزایش داده است.

### نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی رقابت قدرت نرم بین ایران و ترکیه در غرب آسیا پرداخت. در طول مقاله مشخص شد که هر دو کشور از ابزارهای مختلف برای افزایش نفوذ خود استفاده می کنند، اما چالش های داخلی و خارجی متعدد، تأثیرگذاری آن ها را محدود می کند. ترکیه با استفاده از قدرت نرم، خود را به عنوان یک دموکراسی محافظه کار معرفی می کند و به نارضایتی های جامعه اسلامی در سراسر جهان توجه دارد. این کشور از ابزارهای فرهنگی و به ویژه اقتصادی برای گسترش نفوذ خود استفاده می کند. با این حال، رویکرد ترکیه در قبال تحولات منطقه همواره با انتقاداتی همراه بوده است. به ویژه، حمایت ترکیه از گروه های خاص در سوریه و سایر مناطق، با واکنش های منفی مواجه شده است. ایران نیز به عنوان یک دموکراسی مذهبی تعریف می شود که مقاومت اسلامی قاطعانه ای را علیه «ستمگران» در غرب آسیا و جهان هدایت می کند. ایران از ابزارهای فرهنگی و مذهبی برای گسترش نفوذ خود استفاده می کند و به عنوان یک مدافع پروپاقرص حقوق فلسطینیان شناخته می شود. با این حال، تحریم های بین المللی و چالش های اقتصادی داخلی، مانع از گسترش بیشتر قدرت نرم ایران در منطقه شده است. مسئله فلسطین یکی از مهمترین مسائل در سیاست خارجی هر دو کشور است. ترکیه و ایران هر دو از آرمان فلسطین حمایت می کنند، اما رویکردهای متفاوتی دارند. ترکیه راه حل دو کشوری را ترجیح می دهد، در حالی که ایران هر راه حلی را که به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی منجر شود، رد می کند. این رویکردها نشان دهنده تفاوت در استراتژی های قدرت نرم هر دو کشور است. در مجموع، هر دو کشور با چالش های داخلی و خارجی روبرو هستند که می تواند بر قدرت نرم آن ها تأثیر بگذارد.

## منابع و مأخذ

### فارسی:

- اردکانی فتاحی، حسین (۱۴۰۰)، «راهبرد سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پسا داعش». پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۰(۱)، ۲۲۷-۲۶۲.
- ایرب (۲۰۲۳) اعتراض دانشجویی در ترکیه با ۹۷ بازداشتی و ۱۳ زخمی. خبرگزاری صدا و سیما. Retrieved from <https://www.iribnews.ir/fa/news/4523039> from
- برزو، خلیل، مطلبی، مسعود و بای، عبدالرضا (۱۳۹۹)، «فرهنگ و سیاست: بررسی تطبیقی ترکیه و ایران در سیاست گذاری فرهنگی». فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۶۹۲-۷۱۲.
- ربیعی نیا، بهمن، هرسیج، حسین و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۷)، «تجزیه و تحلیل قدرت نرم ترکیه در دوره غلبه اسلام‌گرایان». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۸(۳)، ۱۵۹-۱۹۰.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰)، «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه». دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱(۱)، ۷-۳۶.
- کاظمی اخوان، مسعود، زیبایی، مختار و نصری، زنیله (۱۴۰۱)، «تحلیل مبانی پایدار روابط راهبردی ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در منطقه جنوب غرب آسیا». فصلنامه بیداری اسلامی، ۱۱(۳)، ۲۵-۵۱.
- کریمی فرد، حسین (۱۴۰۲)، «تبیین سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه حماس- رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳». فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۲(۴)، ۵۱-۷۱.
- نصیری، سوناز (۱۳۹۹)، «بررسی مولفه‌های قدرت نرم ج.ا. ایران در منطقه خاورمیانه». دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۲)، ۲۶۵-۲۸۷.

### انگلیسی:

- Akbar, A. (2023). Iran's soft power in Syria after the Syrian civil war. *Mediterranean Politics*, 28(2), 1-20.
- Alfoneh, A. (2023). *The impact of the October 7 Hamas attack on Iran's regional strategy*. Washington Institute for Near East Policy. Retrieved from <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/impact-october-7-hamas-attack-irans-regional-strategy>
- Amnesty International. (2013). *Gezi Park protests: Brutal denial of the right to peaceful assembly*. Retrieved from <https://www.amnesty.org/en/documents/eur44/022/2013/en/>
- Castells, M. (2009). *The rise of the network society* (2nd ed.). Wiley-Blackwell.
- CENGIZ, M. E. (2022). *The future of the Iranian-Turkish relationship: A contained geopolitical rivalry or a possible escalation between Ankara and Tehran?* Sharq Forum. Retrieved from <https://research.sharqforum.org/2022/09/20/iranian-turkish-relationship>
- Çevik, S. (2022). Turkey's military operations in Syria and Iraq. *SWP Comment*, 37, ۱-۱۰.
- Çevik, S. (2024). *Turkey's reconciliation efforts in the Middle East: Ambitions and constraints in a changing regional order*. Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs, SWP Research Paper 15. Retrieved from <https://carnegiendowment.org/2024/01/18/turkey-s-peacemaking-efforts-in-middle-east-ambitions-and-limitations-in-changing-regional-order-pub-91425>

- Dolatabadi, A. B., & Kamrava, M. (2022). Iran's changing naval strategy in the Persian Gulf: Motives and features. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 49(1), 1-18. <https://doi.org/10.1080/13530194.2021.1995443>
- ICRO. (2023). *National events and cultural activities report*. Islamic Culture and Relations Organization. Retrieved from <https://en.icro.ir/National-Events> (This report includes statistics on Iran's cultural activities, such as support for Palestinian students and resistance film festivals).
- Jalal, S. U., Khan, Y., & Pitafi, G. M. (2023). Saudi-Iran relationship: The beginning of a new era. *Qlantic Journal of Social Sciences and Humanities*, 4(3), 1-12. <https://doi.org/10.55737/qjssh.2023.4.3.001>
- Janice, B. M. (2005). Why 'soft power' isn't so soft: Representational force and the sociolinguistic construction of attraction in world politics. *Millennium: Journal of International Studies*, 33(3), 583-612. <https://doi.org/10.1177/03058298050330031601>
- KURAL, M., & ERDEM, G. (2022). Saudi Arabia's foreign policy towards Turkey during and after Arab uprising: A defensive realism approach. *Przegląd Strategiczny*, 15, 65-80. <https://doi.org/10.14746/ps.2022.1.4>
- Loft, P. (2024). *Iran's influence in the Middle East*. Commons Library Research Briefing, 25 July. Retrieved from <https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-9504>
- Ministry of Economy of Israel. (2024). *Trade statistics between Israel and Turkey 2023*. Israeli Ministry of Economy and Industry. Retrieved from <https://www.gov.il/en/departments/general/foreign-trade-statistics>
- Mühlberger, W. (2024). *The Middle East amidst the Gaza War, regional tensions and the resurgence of the Palestinian question*. Austria Institut für Europa und Sicherheitspolitik. Retrieved from <https://www.aies.at/publikationen/2024/focus-2024-06-en.php>
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. PublicAffairs. (See also: Nye, J. S. (2004). Soft power and American foreign policy. *Political Science Quarterly*, 119(2), 255-270). Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/20202345>
- Nye, J. S. (2011). *The future of power*. PublicAffairs. Retrieved from <https://www.publicaffairsbooks.com/titles/joseph-s-nye-jr/the-future-of-power/9781586488925/>
- Pew Research Center. (2023). *Views of Iran and Turkey in the Middle East: Survey on Muslim attitudes*. Pew Research Center. Retrieved from <https://www.pewresearch.org/global/2023/07/27/international-views-of-china/> (This survey covers regional opinions on cultural influence, including 70% impact on Muslims in West Asia regarding resistance issues).
- TIKA. (2023). *Annual report 2023: Development assistance projects*. Turkish Cooperation and Coordination Agency. Retrieved from [https://www.tika.gov.tr/upload/2024/03/TIKA\\_Annual\\_Report\\_2023.pdf](https://www.tika.gov.tr/upload/2024/03/TIKA_Annual_Report_2023.pdf) (Includes economic aid to Palestine/Gaza, approximately \$10 million for educational and infrastructure projects).
- Times Higher Education. (2023). *World university rankings 2023*. Retrieved from <https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2023/world-ranking>
- Vibber, K., & Kim, J.-N. (2015). Diplomacy in a globalized world: Focusing internally to build relationships externally. In G. J. Golan, S.-U. Yang, & D. F. Kinsey (Eds.), *International public relations and public diplomacy: Communication and engagement* (pp. 131-146). Peter Lang Publishing.

- Wallace, H. (2022, September 24). *Iran's soft power offensive in eastern Syria*. Small Wars Journal. Retrieved from <https://smallwarsjournal.com/jml/art/irans-soft-power-offensive-eastern-syria>
- Wastnidge, E. (2024). Reinforcing the resistance: Iran and the Levant in a multipolar Middle East. *Middle East Policy*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1111/mepo.12760>
- Yavuz, M. H. (2019). *Islamic political identity in Turkey*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190945961.001.0001>
- YTB. (2023). *Annual report 2023: Scholarships and international students*. Presidency for Turks Abroad and Related Communities. Retrieved from <https://www.ytb.gov.tr/en/publications/annual-reports> (Includes statistics on scholarships for over 1,500 Palestinian students in Turkey).
- Council of Europe. (2021). *Turkey's withdrawal from the Istanbul Convention: Implications and reactions*. Retrieved from <https://www.coe.int/en/web/istanbul-convention/turkey-withdrawal>
- Jabbour, J. J. (2022). *After a divorce, a frosty entente: Turkey's rapprochement with the United Arab Emirates and Saudi Arabia: Strategic necessity and transactional partnership in a shifting world order*. IFRI. Retrieved from [https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/2jabbour\\_turkey\\_sa\\_uae\\_mai2022.pdf](https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/2jabbour_turkey_sa_uae_mai2022.pdf)
- Kutay, A. (2021). A historical analysis of the AKP in power: Hegemony, predominance, and interregnum. *Statsvetenskaplig tidskrift*, 123(1), 1-25. Retrieved from <https://journals.lub.lu.se/st/article/download/22771/20256/55544>.

